

نگاهی به کاستی‌های ترجمه در برنامه‌های تلویزیونی

رخشنده نبی‌زاده

تلویزیون رسانه‌ای است با مخاطبان بسیار. در کشورهایی همچون کشور ما که براساس آمار و ارقام حاصل از تحقیقات، مردم زمان بس ناچیزی را به مطالعه اختصاص می‌دهند و در عوض چندین ساعت در روز به تماشای تلویزیون می‌نشینند، اهمیت این رسانه صدچندان می‌نماید. می‌توان از این امر سود جست و تلویزیون را به رسانه‌ای آموزشی مبدل ساخت و از این طریق اندکی از ضرر و زیان ناشی از عدم انس با مطالعه را جبران کرد. اما این کار جز با برنامه‌ریزی صحیح، تلاش فراوان، دقت نظر بسیار و به کارگیری افرادِ کاردان و صاحب نظر ممکن نیست. در موقعیت کنونی تعجیل در برنامه‌سازی و لزوم استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای راه را بر هرگونه وسواس و دقت در نگارش متون و برگردان شیوای گفتار فیلم‌های خارجی بسته است و زبانی که طی این برنامه‌ها به مردم ارائه می‌شود در بیشتر مواقع زبانی است من درآوردی و سست و نارسا که بیم آن می‌رود اندک اندک در اذهان مخاطبان به خصوص جوانان رخنه کند و سلامت زبان باستانی پارسی را به مخاطره افکند. از این رو توجه به امر خطیر ترجمه و نگارش در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای می‌یابد که سزاوار نیست نادیده گرفته و سخیف شمرده شود. صدا و سیما که علم پاسداری از زبان پارسی را برمی‌افزاید و چگونه گفتن و نوشتن را می‌آموزد باید در عمل نیز در اثبات مدعای خود کوشا باشد و گرنه نقض غرض کرده است. شنیدن جملاتی همچون: "بهم سردرد می‌دهد" "تمی توانست چشمهایش را باور کند" چه تأثیری می‌تواند داشته باشد مگر گیج کردن شنونده و مشروعیت بخشیدن به اشتباهاتی که متأسفانه به تدریج وارد زبان می‌شود و اصالت، شیوایی و خلوص آن را مخدوش می‌سازد.

بررسی حاضر به محتوای برنامه‌های کانالهای چندگانه تلویزیونی نمی‌پردازد بلکه تنها نگاهی است به وضعیت ترجمه و نگارش در این رسانه که طی آن به پاره‌ای از کاستی‌ها و اشکالات عمده در این زمینه اشاره شده است.* داده‌های مورد بحث طی فاصله زمانی کمتر از سه هفته (از ۸ تا ۲۶ مرداد ماه ۱۳۷۶) از برنامه‌های شبکه‌های مختلف سیما جمع‌آوری شده‌اند. در ابتدا فهرستی نام و مشخصات این برنامه‌ها ارائه گردیده و هر برنامه‌ای با شماره‌ای مشخص شده که در بررسی اشتباهات

*- نویسنده در این مقاله مواردی چند از اشکالات نگارشی برگرفته از متن تولیدات داخلی سیما را نیز نقل می‌کند. به‌خاطر احتراز از طولانی شدن مقاله به ذکر اشکالات ترجمه بسنده می‌کنیم. سردبیر.

نیز نمایانگر برنامه مورد نظر است. اشتباهات براساس نوع و ماهیتشان دسته‌بندی شده‌اند و در صورت امکان برای هر یک از آنها مورد یا موارد اصلاحی پیشنهاد شده است. عدد داخل پرانتز در انتهای هر یک از موارد ذکر شده نشان دهنده برنامه‌ای است که هر مورد از آن استخراج شده؛ این عدد مشابه شماره ردیف برنامه در فهرست نام و مشخصات برنامه‌هاست. متأسفانه متن و صدای اصلی این برنامه‌ها در دسترس نیست و گاه نمی‌توان حدس زد که جملات مورد بحث در اصل چه بوده‌اند. تنها در یک برنامه که در آن گهگاه صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان با زیرنویس انگلیسی همراه بود امکان مقایسه و تطبیق فراهم شد. در بقیه موارد جمله‌ها و عبارات ذکر شده عموماً از نظر سازگاری با ساختارها و واژگان زبان فارسی یا از جهت انتقال صحیح معنا مورد بحث قرار گرفته‌اند.

فهرست نام و مشخصات برنامه‌ها

۱	کلانشهر	شنبه ۸ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۲۲:۳۰	شبکه ۵	۲۲ دقیقه
۲	موزه گوگن‌هایم (۱)	۱ شنبه ۱۲ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۲۳:۲۰	شبکه ۴	۲۵ دقیقه
۳	جهان نیروهای شگفت‌انگیز	۴ شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۲۳:۲۰	شبکه ۴	۲۲ دقیقه
۴	کلانشهر	۴ شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۲۲:۳۰	شبکه ۵	۲۲ دقیقه
۵	موزه گوگن‌هایم (۲)	۱ شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۲۳:۲۰	شبکه ۴	۴۰ دقیقه
۶	سریال تلویزیونی شرلوک هلمز (۱)	۳ شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۲۱	شبکه ۲	۴۰ دقیقه
۷	سریال تلویزیونی شرلوک هلمز (۲)	۳ شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۲۱	شبکه ۲	۵۰ دقیقه
۸	گورکن	۳ شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۱۹:۱۵	شبکه ۴	۲۵ دقیقه
۹	همه سیاره‌ها را فراخوانیم	۵ شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۲۳:۲۰	شبکه ۵	؟؟
۱۰	سیاست تغذیه	جمعه ۲۴ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۱۹:۱۵	شبکه ۴	۲۰ دقیقه
۱۱	کران تا کران	جمعه ۲۴ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۱۹:۵۰	شبکه ۱	۱۷ دقیقه
۱۲	لوئیدی پیراندلو	۱ شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۷۶	ساعت ۲۳:۲۰	شبکه ۲	۴۰ دقیقه

طبقه‌بندی و بررسی داده‌ها

الف) گزینش واژه‌های نامناسب یا نادرست

- ۱- سه بار رود به درون تونل شکافت (سرازیر شد). (۱)
 - ۲- این بلوکهای مستطیلی که ما در اطرافمان می‌بینیم و ... اینها همه زیباشناختی‌هایی (جلوه‌هایی زیباشناختی) هستند که بیشتر از اروپا آمده‌اند. (۲)
 - ۳- اودر شب ۱۱ نوامبر ۱۹۷۶ این رؤیا را به طور وضوح و روشن (به روشنی و وضوح) دیده بود. (۳)
 - ۴- مردم روی رودها را کشیدند (پوشاندند) و آن‌ها را به فراموشی سپردند. (۴)
 - ۵- ظرف پنج سال کوتاه .. (۱)
- منظور از «پنج سال کوتاه» چیست؟ اگر کوتاهی زمان انجام کار مورد نظر است می‌توان این عبارت را

به شکل زیر تصحیح کرد: "تنها در مدت پنج سال"

۶- محتویات توالی که در سنت فلون تخلیه می‌شد، سفری هفتاد مایلی را می‌پیمود. (۴)
سفر پیمودنی نیست بنابراین بهتر است گفته شود: "هفتاد مایل راه می‌پیمود." یا "مسیری هفتاد مایلی را می‌پیمود."

۷- وقتی پدر بزرگم مریض شد یادم هست که هیلا این پزشک رو سفارش (توصیه) کرد. (۵)

۸- اقدام پدرتون ارتکابیه (عملی است) که نمی‌شه ازش گذشت. (۶)

۹- کسانی که اینجا هستند آدم‌های خیلی زرنگیند. این مردم از قبل قرار و مدارشان را گذاشته بودند. (۷)
"این مردم" احتمالاً ترجمه لفظ به لفظ These people است ولی در واقع منظور "این افراد" است که به آدم‌های زرنگ جمله پیش اشاره دارد.

۱۰- چه گونه‌های سرخ و شیطانی داره. (۷)

شیطانی برای گونه صفت مناسبی نیست. می‌توان گفت: "چه چهره/صورت سرخ و شیطانی داره"

۱۱- این امن‌ترین (بی‌خطرترین یا مطمئن‌ترین) کار ممکن بود. (۷)

۱۲- در این صورت انگیزه ما از جست و جوی حیات در کهکشانهای دیگر از چه بابت است؟ (۹)
ترکیب "انگیزه" و "از چه بابت است" نادرست است. می‌توان گفت: "انگیزه ما چیست؟" یا "جست و جوی ما برای یافتن حیات از چه بابت است؟"

۱۳- گذشته از آن با این کار می‌توانیم وسیله‌ای برای راحت‌سازی (ارضای) حس کنجکاو خود بیاییم. (۹)

۱۴- کشاورزان ما به طرز فجیعی (بسیار یا بی‌اندازه) فقیر هستند. (۱۰)

۱۵- زمین ما بسیار حاصلخیز است و این موضوع از اینجا ناشی می‌شود که ما می‌توانیم محصولات متنوعی را در این زمین‌ها بکاریم. (۱۰)

حاصلخیز بودن زمین نمی‌تواند ناشی از توانایی کاشت محصولات متنوع باشد. کاملاً برعکس، چون زمین حاصلخیز است می‌توان محصولات متنوع در آن کاشت.

۱۶- قابها آشکال معمارانه را منعکس می‌کنند. (۱۱)

کاربرد این واژه در فارسی مصطلح نیست. اگر منظور یافتن معادلی برای architectural است می‌توان از واژه معماری استفاده کرد.

۱۷- و از بعضی نظرها امروز هم به همین شکله آدم‌هایی که بر لبه دیوانگی راه می‌رن، البته بدون اینکه هرگز واقعاً دیوانه بشن. (۱۲)

این عبارت به گواهی زیرنویس فیلم ترجمه on the verge of madness است که به نظر می‌رسد "در مرز دیوانگی" معادلی بهتری باشد.

۱۸- راستی چرا اون این تصمیم رو گرفته؟ شاید به این خاطر که آدم‌های داستان بسیار شخصی‌اند و او نمی‌تونه به روشی نمایشی اونهارا تنظیم بکنه. (۱۲)

منظور از "شخصی" در این جمله روشن نیست و در ضمن آدم‌ها را چه گونه می‌توان "تنظیم کرد؟" آیا

منظور وفق دادنِ شخصیت‌ها با منطقِ نمایشی است؟

۱۹- ظاهراً رویدادهای زندگی بود (باعث شد) که نیروی خلاقیتی ناگهانی در پیراندلو پدیدار شود. (۱۲)

ب) استفاده مکرر و بی‌مورد از موصولِ "که"

۱- فکر می‌کنم که من سه سالم بود که خانم هیلاری بی با پذیرزگی من آشنا شد. (۲)

۲- اون احساس کرد که موقع خوبی که بده تصویر پذیرزگم رو نقاشی کنند. (۲)

۳- خانم هیلاری بی رئیس خودش سولومون گوگن هایم را متقاعد کرده بود که تابلوهایی را بخره که اگر

به اختیار خودش بود هرگز نمی‌خرید. (۲)

در هر سه مورد، نخستین "که" قابل حذف است.

۴- و این طوری شد که صحبت این پیش‌آمد که گوگن هایم قول داد که مبلغ هنگفتی صرف ساختن یک

موزه بکند.

۵- تنها کاری که می‌کرد این بود که شهری رو که مانع به نمایش در آمدن نبوغش شده بود سرزنش کند. (۲)

در هر دو مورد موصول سه بار در فواصل کوتاه تکرار شده است.

۶- مشکل ما با تمام این به اصطلاح ستارگان این بود که درست همان لحظه‌ای که آنها می‌فهمیدند که ما

به استفاده آنچه که می‌توانند انجام دهند علاقه‌مند هستیم و درست همان وقتی که متوجه می‌شدند که ما

در باره چگونگی کارشان در حال بررسی هستیم واقعه اتفاق می‌افتاد. (۳)

سومین، چهارمین و ششمین "که" زاید است.

ج) کاربرد جمله‌های مبهم، نامفهوم و یا ناتمام

۱- چیزی که ایشون اصولاً دوست نداره اینه که رودخانه هارلم باعث جدایی شهر از تنوع و جذابیت

شده (باعث شده شهر عاری از تنوع و جذابیت شود). (۲)

۲- آن چیزی را که می‌توانم بگویم این است که درست نمی‌دانم اگر او به من می‌گفت یک هواپیما یا

هواپیمای خاصی قرار است سقوط کند من قطعاً سوار آن نمی‌شدم. (۳)

کاربرد "درست نمی‌دانم" و "قطعاً" باعث ابهام در انتقال معنا شده است، آیا گوینده بی‌تردید سوار

هواپیما نمی‌شده یا نمی‌داند که سوار می‌شده یا خیر؟

۳- آب جاری فضولات رومیان را می‌برد ولی فقط به محلی می‌برده که آنجا کثیف و کثیف‌تر می‌شد. (۴)

آن محل کثیف و کثیف‌تر می‌شد یا آب جاری در آن محل کثیف و کثیف‌تر می‌شد؟

۴- اون بزرگه رو ما اسمشو سوگذاشتیم. اون یکی از مادرهای توله امساله است. (۸)

جمله دوم به کلی بی‌معنا است.

۵- برخی اوقات هنرمند ایده‌های قوی بی در باره تیپ و قاب دارد. (۱۱)

منظور از "تیپ و قاب" چیست؟ آیا ترجمه عبارت type of frame به این شکل درآمده و مقصود نوع

قاب است؟

۶- راستی پاسخ چیست؟ اصولاً اگر هدف احیای یک میراث یا نمایش یک نقاشی منظره تابستانی است، اگر قاب اندازه‌اش هست به همان نصبش کنید. (۱۱)

این جمله با ترکیبات نازیبیا و نادرستش چه معنایی را بازگو می‌کند؟ "یک نقاشی منظره تابستانی" دیگر چیست؟ آیا منظور تصویری از یک منظره تابستانی است؟ جمله شرطی آخر که به کلی بی‌معنا و بی‌ارتباط با سایر اجزای جمله است.

۷- ساختمان واکس اثر جانسون با آن فضاهای نورانی، انقلابی در طرز برداشت ما از محیط‌های کاری به وجود آورد، به خصوص خانه‌ای به نام آبشار با آن مهتایی شناوری که بازویی در آفتاب داشت که شاید مشهورترین خانه او باشد. فکری که در ساختن این ساختمانها از آن استفاده شده بود یعنی این فکر که معماری باید دارای ساختاری منسجم باشد. (۲)

جمله آخر ناتمام است و فعل ندارد ولی در گفتار فیلم جمله به همین جا ختم می‌شود.

۸- این یک تجربه بی‌نظیر در تمام موزه‌هاست! این معمولاً هنرمندها بودند که این موقعیت را داشتند، یعنی لذت اشغال کردن موزه را اونها می‌بردند. اگه بشه گفت و کاری که دان فلاوین قصد انجام دادنش رو داره اینه که در یک فضای خشتی که نشه اون رو در یک ساختمان به وجود آورد تا ایجاد درگیری بکنه، که البته همه کارهای هنری در این وضع و موقع نیستند، فقط بعضی از کارهای شاخص اینطورین. (۵)

عبارت ۳ "اگه بشه گفت" کاربرد خاصی ندارد و با سایر اجزاء جمله بی‌ارتباط است. جمله‌ای که با حرفی ربط "و" به این عبارت متصل شده ناتمام است و علاوه بر آن معنای روشنی ندارد، یعنی نمی‌توان فهمید شخص نامبرده قصد انجام چه کاری را دارد. عبارت "در این وضع و موقع نیستند" نیز بسیار نامأنوس است و احتمالاً منظور این بوده که دارای چنین خصوصیتی نیستند.

د) کاربرد ترکیب‌ها و جمله‌های نامأنوس و ثقیل

۱- صورت گرفتن این تحول بنیادی در معماری نیویورک ۱۷ سال به درازا کشید تا به اتمام برسد. (۲)

بهرتر است گفته شود: "انجام گرفتن این تحول بنیادی..... به درازا کشید". زیرا کلمه انجام خود حاوی مفهوم به پایان رسیدن و اتمام نیز هست.

۲- .. هشدار نسبت به خطرهایی که حس یافتن ما به ما القا می‌کند. (۳)

"حس یافتن" برای فارسی زبانان ترکیبی ناآشناست. شنونده در نمی‌یابد که کدامیک از حواس انسان مورد نظر است.

۳- احساسی از تمایل مرا واداشت تا..... (۴)

این ترکیب در فارسی نارسا و بی‌معناست.

۴- .. کوچکترین اعتراضی با برآوردن آن چه که سلیقه غیرعادی خواندند ندارند. (۴)

به کاربرد فعلی برآوردن برای سلیقه مصطلح نیست. در ضمن ساختار جمله و آرایش واژه‌ها نیز ثقیل و نازیباست. حرف اضافه "با" نیز باید به "به" تغییر یابد.

۵- اما این کارایی علاوه بر به ارمغان آوردن بهداشت چیز دیگری نیز آورد: لوازم توال. (۴)

بهرتر است بگوییم: "..... علاوه بر بهداشت چیز دیگری نیز به ارمغان آورد: لوازم توالت." یا ".... علاوه بر بهداشت لوازم توالت را نیز به ارمغان آورد."

۶- در این محل فضاهای دوردست دائماً در حال جست و جو شدن است. (۹)

برگردان لفظ به لفظ حال استمراری مجهول ترکیب نامأنوسی ایجاد کرده است. می‌توان از فعل "جست و جو می‌شود" استفاده کرد.

۷- من که برای پولدار شدن اعتراضی ندارم. (۷)

احتمالاً منظور این است: "من که از پولدار شدن بدم نمی‌آید."

۸- ما اصلاً نمی‌توانستیم تصور وجود پیشرفته‌ها و امکانات امروزی را در پنج هزار سال قبل بکنیم. (۹)

۹- تصورش را بکنید آنوقت چه طور می‌خواستیم معنای ابزارهای علمی امروز مثل کامپیوتر و غیره را بکنیم. (۹)

در جمله ۸ دو جزء فعل با فاصله زیاد از هم جدا شده‌اند و به همین دلیل جمله نازیبا و ثقیل جلوه می‌کند. اما در جمله ۹ فاصله افکندن بین دو جزء فعلی مرکب معنای نادرست است. می‌توان گفت: "..... ابزارهای علمی امروز مثل کامپیوتر و غیره را معنا کنیم." یا "..... معنای ابزارهای علمی امروز..... را دریابیم."

۱۰- محدودیت منابع نفتی و آلوده‌زا بودن این منبع باعث شده تا محققین کشورهای مختلف در پی چاره‌جویی برای جایگزین کردن این سوخت در حمل و نقل‌های شهری باشند. (۱۱)

"آلوده‌زا" علاوه بر نامأنوس بودن، درست به نظر نمی‌رسد زیرا پسوند "زا" معمولاً به اسم اضافه می‌شود نه به صفت. برای مثال در ترکیباتی همچون: تورم‌زا- دودزا- بچه‌زا و غیره. در ضمن واژه محقق باید با سان جمع بسته شود.

۱۱- و او اولین نمایشگاه بزرگ انگلیسی درباره تصویرها و قابهای آنها را سازماندهی کرده. نمایشگاه قاب تصاویر شامل پانصد سال کار در بریتانیا با ۱۸۰ قاب مختلف می‌شود که بیشتر آنها با تصاویر داخلی آن هستند. (۱۱)

نمایشگاه "در باره" چیزی نیست و قسمت آخر جمله نیز ساختاری سست و نادرست دارد. می‌توان گفت: "داخل بیشتر قابها تصویری قرار دارد."

۱۲- در نگاه اول این تکه زمین به نظر می‌رسد که سرسبز و خرم باشد، اما تقریباً همه این گیاهان در این مزرعه که با آلوده‌کننده‌های شیمیایی پر شده‌اند در حالی از بین رفتن می‌باشند. (۱۱)

بهرتر است بگوییم: "در نگاه اول این تکه زمین سرسبز و خرم به نظر می‌رسد." در جمله دوم هم اگر فعل "پر شده‌اند" به گیاهان برمی‌گردد، باید بگوییم: "همه گیاهان این مزرعه" و اگر فعل به مزرعه برمی‌گردد نباید جمع بسته شود.

۱۳- در تحقیقات انجام شده وسایل نقلیه همواره یکی از عوامل عمده آلوده‌کننده‌ها تلقی شده‌اند. (۱۱) این ترکیب نادرست است. علامت جمع "ها" باید حذف شود یا می‌توان گفت: "آلوده‌کننده‌های عمده."

۱۴- تاثیر دادگاهی عمومی در مورد اعمال انسانی است، به همان گونه که روی می‌دهد و در حقیقت

محض. اما این دادگاه در موقعیتی دیگر است. در قلمرویی ابدی که به صورت هشدار بر دو واقعیت به زندگی روزانه ما اشاره دارد. (۱۲)

عبارت "حقیقت محض" ارتباطی با سایر اجزای جمله ندارد و "هشدار بر دو واقعیت" نیز از نظر ساختار نادرست و از نظر معنا مبهم است.

۱۵- هر چقدر سعی کردم نتوانستم معنای چیزی از ارزش جهانی در این شخصیت‌ها پیدا کنم. (۱۲) مفهوم این عبارت روشن نیست و ساختار آن نیز نادرست است.

ه) کاربرد واژه‌ها یا عبارات زاید / حذف نابه‌جای برخی کلمات

۱- من یک مرد نیستم اما می‌خواهم این مؤسسه را بسازم. (۲)

ذکر حرف تعریف نامعین در ترجمه از انگلیسی به فارسی بی‌مورد است.

۲-..... موزه‌ای باشد که هنوز تا به حال ساخته نشده. (۲)

"هنوز" و "تا به حال" هر دو به یک معناست و ذکر یکی از آنها کافی است. به منظور تأکید می‌توان گفت: "..... تا به حال نظیرش ساخته نشده"

۳- برخورد مهم به نظر نمی‌رسید ولی از نظر اومی دانست که واقعه‌ای رخ داده که پایان همه چیز را برای او رقم خواهد زد. (۳)

عبارت "از نظر" زاید است.

۴- من فقط به جز اسمش چیز دیگری از او نمی‌دانم. (۵)

کلمه "فقط" زاید است.

۵- از دریافت خبر مسرت بخشی که دریافت کردم بسیار خوشحال شدم. (۵)

نخستین "دریافت" زاید است.

۶- ما افسران ارتش ملکه ویکتوریا به این کتاب مقدس سوگند یاد می‌کنیم که این عهدنامه همواره مقدس و به مفاد آن متعهد باشیم. (۷)

این جمله به سبب حذف فعل بدون قرینه پیش از حرف ربط "و" نادرست است. باید گفت: "..... این عهدنامه را همواره مقدس شماریم و....."

و) برگردان نادرست جملات زبان مبدأ و مخدوش کردن ساختار و معنا

۱- قاب دوم در سال ۱۸۴۵ ساخته شده و یکی از تولیدات برجسته دوران ویکتورین در انگلستان محسوب می‌شود. به نظر کهنه‌تر می‌رسد و یا اینکه لااقل این‌طور فکر می‌شده ولی نمی‌تونه چیزی غیر از دوران ویکتورین باشه. (۱۱)

نخست اینکه این عبارت‌های مغشوش و در هم هیچ شباهتی با سیاق کلام فارسی ندارند. دوم این که Victorian period به فارسی دوران ویکتوریا ترجمه می‌شود.

۲- پیراندلو آن‌ها را در واقعیت موجودشان درک می‌کنه و به دنیای اوهام می‌بره. (۱۲)

Pirandello took them from reality and transferred them into fantasy.

ترجمه جمله انگلیسی این است: پیراندلو آنها را از جهان واقعیت گرفت و به جهان تخیل/وهم و خیال برد.
۳- بازی او با واقعیت و جودوی شخصیت‌ها که گاه واقعی و گاه خیالی هستند می‌شود گفت بازی بی‌است قدیمی که از کارهای سروانتس شروع شده. (۱۲)

His treatment of characters is at the same time realistic and fantastic. This is an old trick. You could say it goes back to Cervantes.

کلمه "بازی" برای treatment معادل نادرستی است و در ضمن همین کلمه معادل trick نیز به کار رفته. از این گذشته "گاه واقعی و گاه خیالی" معادل at the same time نیست. می‌توان این جملات را این گونه برگردان کرد:

"روش او در پرداخت شخصیت‌ها آمیزه‌ای از واقع‌گرایی و خیال‌پردازی است. این تمهیدی است قدیمی که می‌توان گفت از کارهای سروانتس شروع شده."

۴- این بازی با شخصیت در دن‌کیشوت آغاز می‌شود که در اون شخصیت اصلی از واقعیت بیرون رفته پای به عالم خیال می‌گذارد و باز به واقعیت برمی‌گردد. (۱۲)

You find this treatment of character for the first time in "Don Quixote" where they leave the real for the realm of fantasy, then re-enter reality.

منظور از treatment روش یا نحوه پرداخت شخصیت است و نه بازی، در ضمن ضمیر they به معنای شخصیت اصلی نیست بلکه همه شخصیت‌ها یا دست‌کم گروهی از آنها را در بر می‌گیرد. گذشته از این they leave the real به معنای "فرا تر رفتن از جهان واقع" یا "پا را از جهان واقع فراتر گذاشتن" است. همان‌طور که دیدید، برای تشخیص این اشتباهات هیچ نیازی به تخصص، ریزینی یا نکته‌سنجی نیست. شاید ذکر این اشتباهات فاحش هشدار باشد برای مسئولین امر تا وسواس بیشتری در این زمینه به خرج دهند. مطالعه این موارد به آسانی بر خواننده معلوم می‌سازد که تصحیح بسیاری از این اشتباهات تنها با بازخوانی مجدد و ویرایش متن پیش از ضبط و پخش برنامه امکان‌پذیر بوده است. زیرا بسیاری از آنها ناشی از بی‌دقتی و شتابزدگی هستند نه کم‌دانشی. چه بسا خود مترجم یا نویسنده محترم می‌توانست با بازخوانی نوشته خود بسیاری از این نکات را دریابد و آنها را اصلاح کند. از سوی دیگر، ضرورت به کارگیری نیروهای متخصص و مجرب در امر ترجمه گفتار متن فیلم‌های خارجی و نگارش متون تولیدات داخلی صدا و سیما بر کسی پوشیده نیست. میدان دادن به جوانان و کشف استعدادها و نونیز با این امر مغایرتی ندارد. هیچ‌کس در بدو امر از نظارت، هدایت و راهنمایی بی‌نیاز نیست. می‌توان در امر ترجمه از دانشجویان زبان یا افراد آشنا به زبانهای مختلف مدد جست ولی این بدان معنا نیست که تازه کاران را به حال خود واگذاریم تا سیاه مشق‌های خود را به مردم عرضه کنند. نگاهی به بعضی از برنامه‌های تلویزیون از جمله برخی برنامه‌های علمی شبکه چهار همچون قسمتهایی از مجموعه مستند "جدال برای ادامه حیات"، "انسان و آب و هوا" و "اسرار علم" نشان می‌دهد که در این تشکیلات افراد مستعد و کاردان کم نیستند و می‌توان با پرورش این استعدادها از ادامه این روند مخرب جلوگیری کرد. بی‌شک گردانندگان این رسانه‌ها نیک می‌دانند که هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه صدمات جبران‌ناپذیر به زبان پارسا وارد می‌آورد. امید است در آینده شاهد چنین بی‌توجهی‌هایی نباشیم.